

به نام خداوند نان و علم
متن املا و روانخوانی پایانی



محمد رضا پسر با ادب و مهربانی است. او هر روز صبح با صدای اذان بیدار می شود و همراه پدرش نماز می خواند و دعا می کند.
محمد رضا کمک کردن به دیگران را دوست دارد.
در پهن و جمع کردن سفره ی صبحانه ، ناهار و شام با خانواده همکاری می کند.
بعضی وقت ها در شستن ظرف های کثیف غذا به مادرش کمک می کند.
از خواهر کوچک خود مواظبت می کند و تلاش می کند تا اتاقش را منظم و مرتب نگه دارد تا مادرش ناراحت و غمگین نشود.
ظهر ها وقتی می بیند هنوز پدرش نیامده است، به مغازه ی نانوايي می رود و نان تازه می خرد.
قفس طوطی را تمیز می کند و با او حرف می زند و در حیاط برای پرندگان دانه می ریزد.
در درس ریاضی به هم کلاسی هایش کمک می کند.
در حیاط مدرسه هم به حرف های آقای ناظم توجه می کند و نظم و ترتیب را رعایت می کند.
او با این کار ها باعث خوش حالی همه می شود.
او پیش خدا و همه کس عزیز است.

